

سرآستان جوانان

تهیه شده در معاونت فرهنگی و تبلیغات
نمایندگی ولی فقیه در سپاه - مدیریت انتشارات

شهر رمضان مبارک

از همه بالاتر این است که انسان خودش را اصلاح کند در ماه رمضان، ما محتاج به اصلاح هستیم، محتاج به تهذیب نفس هستیم، تا آن دم آخر ما محتاجیم. پیغمبرها هم محتاجند. انبیاء بزرگ هم محتاجند، منتها آنها احتیاج خودشان را فهمیده‌اند و دنبالش عمل کرده‌اند و ما از باب اینکه حجاب داریم نتوانستیم بفهمیم و به تکالیف خودمان عمل نکردیم. امیدوارم که ان شاء الله این ماه مبارک رمضان به همه شما مبارک باشد و مبارک بودن به این است که بنابراین بگذارید که به تکالیف خدا عمل کنید.



صحیفه امام؛ جلد ۱۸، خرداد ۱۳۶۳

دعای روز پنجم ماه مبارک رمضان

«اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِيهِ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِينَ ♦ وَاجْعَلْنِي فِيهِ مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ الْقَائِمِينَ ♦ وَاجْعَلْنِي فِيهِ مِنْ أَوْلِيَائِكَ الْمُقْرَبِينَ ♦ بِرَأْفَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ»
«خدایا در این روز مرا از آمرزش جویان درگناهت قرار ده ♦ و قرار ده مرا در این روز از بندگان شایسته و فرمانبردارت ♦ و در این روز مرا از دوستان نزدیکت قرار ده ♦ به حق مهربانی‌ات، ای مهربان‌ترین مهربانان»

گام به گام با دعاهای رمضان

در این روز سه حاجت از خداوند مهربان داریم:

- خدایا مرا این روز از استغفار کنندگان قرار ده
 - خدایا مرا این روز از بندگان شایسته و مطیع خود قرار ده
 - خدایا مرا این روز از دوستان مقرب درگاه خود قرار ده
- بحق لطف و رأفت، ای مهربان‌ترین مهربانان عالم.

۱- چه کنیم از استغفار کنندگان قرار بگیریم؟

- با نیت خالص تصمیم بگیرد و برای بازگشت به خداوند این ذکر را بگوید:
- اللَّهُمَّ إِنِّي آتُوبُ إِلَيْكَ مِنْ جَمِيعِ ذُنُوبِي. (خدایا از همه گناهانم به سوی تو بازمی‌گردم)
- ترک فوری گناه و ایجاد فاصله با محل گناه
 - استغفار و طلب آمرزش از خداوند، زیرا استغفار پلی است که شما را به رحمت بی‌کران خداوند متصل می‌کند.
 - جبران خسارت به دیگران - اگر گناه حق الناس باشد (غیبت و ...)
 - تقویت رابطه با خداوند مهربان - حال توبه، فرصت طلایی برای بازسازی وضع موجود
 - صبر و پایداری در مسیر توبه
 - طلب مغفرت برای دیگران
 - توسل به اهل بیت
 - هر روز خودمان را محاسبه کنیم

در مورد استغفار:

بدانیم استغفار کردن فقط برای انسانهایی که گناه و معصیت مرتکب شده اند نیست. بلکه استغفار می‌تواند هر انسان وظیفه شناسی را

بندگان صالح خداوند لقب می‌گیرند و قانت، یعنی مطیع خداوند هم هستند.

۳- از اولیاء خدا قرار گرفتن یعنی چه؟

یعنی دوست خدا و هم پیمان با خداوند یعنی هم جهت با خداپرستان و موحدان عالم در قرآن، در مورد اینگونه (ولایت) که نوعی همبستگی و همدلی است، با عبارت (اولیاء الله) آورده شده است. یعنی اینکه در ولایت الله قرار گیرد (هرگز در دلش ترس و هراس نباشد)

و اندوهی راه نخواهد یافت

قرآن کریم می‌فرماید: (أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ) یونس آیه ۶۲ آنکه خداوند ولی او باشد. به مبارزه در راه خداوند

بر ضد طاغوت برمی‌خیزد

(اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ) - بقره آیه ۲۵۷

دوستان خداکسانی هستند که در صفات و چگونگی عمل شباهتی با اوصاف خداوند داشته باشند.

علائم دوستان نزدیک به خداوند:

- شوق ملاقات خداوند
- تلاش برای جلب رضایت خداوند
- شوق ملاقات در خلوت (نماز شب)
- راضی بودن به مقدرات خداوند
- آسان شدن رنج طاعت خدا (صبر با طاعت خداوند، صبر بر معصیت، صبر بر مصیبت)
- دل انسان محل محبت خداوند فقط باشد.

عزیز درگاه خداوند نماید.

فرمایشی از حضرت علی (علیه السلام) در مورد استغفار: از نگاه آن حضرت، استغفار چند مرحله دارد:

- اول، پشیمانی از گناه انجام گرفته.
- دوم، ترک گناه در آینده را تصمیم بگیرد.
- سوم، پرداخت حقوق مردم (تا حقی از آنان را بدهکار نباشی).
- چهارم، اراده به ادای هر حق واجبی که آن را انجام ندادی.

۲- چه کنیم از بندگان صالح و شایسته خداوند باشیم؟

خداوند در قرآن از حضرت شعیب (علیه السلام) به عنوان بنده صالح نام برده است.

خصوصیت حضرت شعیب پیامبر:

- دعوت مردم به خداپرستی
- تذکر مردم به عدالت
- پرهیز دادن مردم به ترک گناه و فساد نکردن روی زمین
- در قرآن کریم آیه ۱۱۴ سوره آل عمران در مورد صالحین بیان شده است:

- کسانی که به خداوند و روز قیامت ایمان داشته باشند
- اهل امر به معروف و نهی از منکر هستند
- در انجام کارهای خیر از یکدیگر سبقت می‌گیرند
- کسانی که به این موارد عمل می‌کنند،

جزء پنجم سوره مبارکه نساء آیه ۱۰۴

این آیه خداوند چند فرمان صادر می کند تا مومن جهادی

مصونیت پیدا کند:

اول اینکه باید حالت تهاجمی داشته باشید نه تدافعی، زیرا حالت تهاجمی بر علیه دشمن مصونیت ساز است و او را مایوس می کند بر خلاف حالت تدافعی که به دشمن جرات تجاوز و تعدی می دهد.

دوم اینکه مقایسه کنید رنج و مشقت های خود را با رنج و مشقت های دشمن تا شکست های موردی موجب تضعیف روحیه شما نگردد. نکته سوم که خیلی مهم است، توجه به امدادهای الهی است و امیدواری به لطف بیکران خدا در نصرت مومنان، در حالی که دشمن از چنین سرمایه عظیمی محروم است و لذا فرمود: «تَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ وَ كَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا»

«وَلَا تَهْتَفُوا فِي ابْتِغَاءِ الْقَوْمِ إِنْ تَكُونُوا تَأْلَمُونَ فَإِنَّهُمْ يَأْلَمُونَ كَمَا تَأْلَمُونَ وَ تَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ وَ كَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا» ترجمه: در راه تعقیب دشمن سست نشوید اگر شما درد و رنج می بینید آنها نیز همانند شما درد و رنج می بینند، شما امید از خداوند دارید و آنها امیدی ندارند و خداوند دانا و حکیم است. این آیه بعد از عدم پیروزی مسلمانان در جنگ احد نازل شده است، بعد از اینکه ابوسفیان تصمیم گرفت که دوباره بر مومنان حمله کند و از موقعیت پیش آمده استفاده نماید و کار آنان را تمام کند، خداوند در برابر چنین نقشه شومی این آیه را نازل کرد و پیامبر اسلام پس از نزول این آیه فرمان بسیج عمومی (حتی مجروحین) صادر نمود، در

زالل احکام

مبطلات روزه (۳)

واجب روزه اش باطل میشود و باید روزه آن روز را قضا کند. **مسئله ۲۰.** در سرزیرآب کردن فرقی نیست بین اینکه هنگام فرو بردن سر در آب، بدن نیز در آب باشد یا فقط سر را در آب فرو برد. **مسئله ۲۱.** اگر نصف سر را در آب فرو ببرد و بیرون بیاورد و سپس نصف دیگر سر را در آب فرو برد، روزه اش باطل نمی شود. اگر روزه دار شک کند کاری که روزه را باطل میکند، انجام داده است یا نه، مانند اینکه شک کند آبی که داخل دهان کرده فرو برده یا نه، روزه اش صحیح است.

مسئله ۱۷. دروغ بستن به خدا و پیامبران و معصومین (علیهم السلام) بنابر احتیاط واجب روزه را باطل می کند، هرچند بعداً توبه کند و بگوید نسبت دروغ داده است. **مسئله ۱۸.** بنابر احتیاط واجب روزه دار باید غبار غلیظ؛ مانند غباری که از جارو کردن زمین خاکی بر می خیزد، همچنان دود سیگار و دیگر دخانیات را فرو ندهد و اگر چنین کند بنابر احتیاط روزه اش باطل است. **مسئله ۱۹.** اگر روزه دار عمداً تمام سر را در آب فرو ببرد، بنابر احتیاط

اگر روزه دار زبان و گوش و چشم و اعضا و جوارح خود را نگه ندارد، روزه به چه کار او می آید؟! دعائم الإسلام: ۲۶۸/۱

حضرت زهرا (سلام الله علیها) فرمودند: مَا يَصْنَعُ الصَّائِمُ بِصِيَامِهِ إِذَا لَمْ يَصُنْ لِسَانَهُ وَ سَمْعَهُ وَ بَصَرَهُ وَ جَوَارِحَهُ

در حوالتی ضیافت

روزه؛ مهار سرکش ترین عضو

یکی فقط شکمش را کنترل می کند. یکی زبانش را هم. یکی از غذا می گذرد، اما از جواب تند به همسرش نمی گذرد. یکی دهانش را بر غذا می بندد، اما حرف مردم در دهانش می چرخد. روزه دار کم حرف پرمعنا، همان کسی است که سر سفره افطار، به جای «گرسته ام»، می گوید «بسم الله» همان کسی است که در جلسه، سکوت می کند تا حرف تازه وارد شنیده شود. همان کسی است که وقتی دلخور می شود، صبر می کند تا دلش صاف شود، بعد حرف می زند. پنجمین روز روزه داری ام است. امشب، قبل از افطار، یک برگه برمی دارم و بالایش می نویسم: سه کلمه که ای کاش هرگز نمی گفتم. و زیرش خط می کشم و اضافه می کنم: خدایا! زبانم امانت تو بود. امشب می خواهم این امانت را سالم برگردانم. کمکم کن یا سکوت کنم یا چیزی بگویم که رضای تو در آن باشد.

پنج روز گذشت. چهار روز مراقبه، چهار روز آینه داری. چهار روز صداقت با خودت. حالا نوبت به میدان بزرگ رسیده است. آنجا که زبان باز می شود. خداوند می فرماید: مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ. (ق، ۱۸) روزه دار کم حرف پرمعنا، کسی نیست که زبانش را قفل کرده باشد. کسی است که می داند هر کلمه، تیری است که بر نمی گردد. در این چهار روز، چند بار حرفی زدی که پشیمان شدی؟ چند بار قبل از فکر کردن، گفتی؟ چند بار در گروه های مجازی، نوشتی و بعد پاک کردی؟ روزه که می گیری، زبان هم روزه دار می شود. نه فقط از خوردن، که از خرد کردن. نه فقط از غذای حرام، که از غیبت. نه فقط از دروغ آشکار، که از شوخی پنهان که دل کسی را شکست. اینجا فرق روزه دار معمولی معلوم می شود:

